

سیر نگارش‌های علوم قرآنی (۶)

محمد علی مهدوی راد



نگاشته‌های علوم قرآنی این قرن را با کتاب ارجمند، احمد بن ابراهیم بن زبیر ثقفی (۷۰۸م) آغاز می‌کنیم با عنوان «البرهان فی تناسب سور القرآن». تناسب سوره‌ها و آیات یکی از دلنشین‌ترین و شورانگیزترین مباحث قرآنی است. در تعریف تناسب گفته‌اند: «تناسب پیوند محتوایی سوره است با سوره پیشین و در آیات پیوند محتوایی آنها است با آیات پیشین و پسین»^۱. عالمان و مفسران در بود و نبود این ارتباط و پیوند، یک داستان نیستند، اما ظاهراً درباره آیات نباید تردید داشت و در سوره‌ها روشن است که چگونگی باور بدان، پیوند ناگسستنی با مسأله «جمع قرآن» دارد. به هر حال آنچه در این کتاب مورد گفت و گو است، پیوند محتوایی سوره‌هاست نه آیه‌ها. آقای سعید الفلاح این کتاب را تحقیق کرده است^۲ و در مقدمه‌ای دزادمان افزون بر گزارش تفصیلی زندگانی و آثار مؤلف، مبانی بحث تناسب سوره‌ها و آیه‌ها را به تفصیل بحث کرده است.

ابن زبیر در علوم قرآنی کتابی دیگر پرداخته است با عنوان «ملاک التأویل القاطع بذوی الألحاد والتعطیل فی توجیه المتشابه اللفظ من آی التنزیل». کتاب ابن زبیر گسترده‌ترین اثری است که در این زمینه نگاشته شده است. پیشتر اشاره کردیم که عالمان علوم قرآنی از «متشابه» در این‌گونه آثار، گونه‌گونی یادکرد یک موضوع و یا یک قصه در سوره‌ها و آیات مختلف را مراد می‌کنند که مؤلفان در کتاب‌هایی از این دست به چرایی

این همگونی‌ها و تفاوتها می‌پردازند. ملاک التأویل را نیز آقای سعید فلاح، تصحیح و تحقیق کرده‌اند.^۳ او در مقدمه‌ای مفصل به گستردگی از وضع سیاسی و فرهنگی روزگار مؤلف سخن گفته و زندگانی مؤلف و آثارش را گزارش کرده است.

احمد بن ابراهیم بن زبیر مشهور به ابن زبیر، از ادیبان، عالمان، قرآن پژوهان و فقیهان اندلس است. او به روزگار خود از آوازه‌ای درخور برخوردار بود و در دیار خویش منصب قضا، خطابه و امامت را به عهده داشت. او را به گستردگی دانش، دقت در نگارش و استوار در تألیف ستوده‌اند.^۴

از جمله بحث‌های مهم و دلپذیر علوم قرآنی کند و کاو در چگونگی فواصل آیات است. از دیرباز قرآن پژوهان از اینکه بگویند در آیات قرآنی سجع وجود دارد، تن می‌زدند، چون آن را به گونه‌ای همانندسازی قرآن با شعر نثر می‌انگاشتند و این همانندی را برنمی‌تابیدند. از این روی از واژه‌هایی که آیات بدان‌ها فرجام می‌یابد، زیر عنوان «فاصله» بحث می‌کردند و می‌کوشیدند تا چگونگی این فواصل را با قافیه‌ها در شعر و سجع در نثر جدا سازند.^۵

در این قرن سلیمان بن عبدالقوی حنبلی (م ۷۱۶)، در این زمینه کتابی پرداخت با عنوان «فواصل الآی» که از آن، گاه به «بغیة الواصل الی معرفة الفواصل» نیز یاد می‌شود. طوفی کتاب دیگری، با عنوان «الاکسیر فی علم التفسیر» دارد که آن را در یک مقدمه و سه قسم سامان داده است. طوفی در این کتاب ابتداء از تفسیر و تأویل و فرق آن دو سخن گفته است و آن گاه آنچه را مفسر، در تفسیر قرآن، بدان نیازمند است، گزارش کرده است و سپس در قسم دوم به تفصیل از دانش‌های لازم برای مفسر سخن گفته و دانش بلاغت و ابعاد آن را به گستردگی به بحث نهاده است. کتاب طوفی گویا اولین کتابی است که این موضوع را به این گستردگی و تفصیل به بحث گزارده است.

الاکسیر را آقای دکتر عبدالقادر حسن، تصحیح و تحقیق کرده و در پانوشته‌ها، منابع اقوال، اشعار و احادیث را نشان داده است.^۶

طوفی به حنبلی بودن مشهور است. شرح حال نگاران اهل سنت وی را متهم به «رفض» کرده‌اند و گفته‌اند او در خلفا طعن می‌زده است، او را بدین اتهام کتک زدند و به زندان افکندند. ابوالعباس حنبلی آورده است که او بر این باور بود که اختلاف مسلمانان در باورها و احادیث از منع تدوین حدیث نشأت گرفته است.^۷ وی گویا به لحاظ این سخن، بر طوفی طعن بسیار روا داشته است، ولی کلام طوفی استوار است و مهم و ما در مقامی

دیگر بدان پرداخته ایم^۸. به هر حال او واپسین سال های عمرش را در «الخلیل» گذراند و در همانجا زندگی را بدرود گفت^۹.

محمدبن مطهر بن یحیی زیدی (م ۷۲۸) درباره ناسخ و منسوخ کتابی پرداخت، با عنوان «عقود العقیان فی الناسخ و المنسوخ من القرآن». او در این کتاب، ابتدا آنچه را ابوالقاسم هبة الله بن سلامه (م ۴۱۰) در کتابش «الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم» آورده بود، در منظومه ای بلند که به «لامیه» معروف است به نظم کشید، آن گاه آن را شرح کرد و ابعاد تفسیری و بیانی آیات را گشود^{۱۰}.

محمدبن مطهر زیدی از پیشوایان زیدی است که به سال ۶۹۰ پس از پدرش بر مسند خلافت نشست. او را به کثرت علم و گستردگی دانش ستوده اند^{۱۱}.

در این قرن سید محمدبن ادریس زیدی صنعانی (م ۷۳۰) کتابی نگاشت درباره ناسخ و منسوخ با عنوان «الدرة المضيئة فی الآيات المنسوخة الفقهية» و کتابی در تبیین و توضیح واژه های دشواریاب قرآن کریم، با عنوان «الحسام المرفف فی تفسیر غریب المصحف»^{۱۲}.

ابن ادریس از عالمان، فقیهان و مفسران زیدی است که در ادب عربی و شعر و شاعری نیز دستی داشته است. او افزون بر آنچه یاد شد، دو کتاب نیز در تفسیر نگاشته است: «الأكسیر الأبریز فی تفسیر القرآن العزیز»، «النهج القویم فی تفسیر القرآن الکریم»^{۱۳}.

تقی بن احمد حرآنی، مشهور به ابن تیمیه (م ۷۲۸) در این قرن یادکردنی است. ابن تیمیه چهره جنجالی و نویسنده بلند آوازه این قرن است. او گویانکه به گونه ای مستقل درباره تفسیر و علوم قرآنی به نگارش پرداخته، اما رساله ها و نگاشته های خرد باقی مانده از وی قابل توجه است. از جمله «مقدمة فی اصول التفسیر» که کتابی است خواندنی، در اصول تفسیر و قواعد آن و بارهای بار به چاپ رسیده است. بهترین چاپ این مجموعه را آقای عدنان زرزور عرضه کرده است. آقای زرزور افزون بر تصحیح و تحقیق دقیق متن، منابع اقوال و احادیث را استخراج کرده و گاه توضیحاتی برای تبیین بیشتر مطالب متن در پانوشتها افزوده است^{۱۴}. رساله دیگری از وی با عنوان «التبیان فی نزول القرآن» به سال ۱۳۲۳ در قاهره چاپ شده است و همو با عنوان «العلم بأسباب النزول» نیز به سال ۱۳۸۱ در ریاض نشر یافته است. رساله دیگری از وی با عنوان «شرح حدیث أنزل القرآن علی سبعة احرف» به سال ۱۳۲۳ در قاهره نشر یافته است^{۱۵}.

ابن تیمیه از عالمان، فقیهان و متفکران جنجالی این قرن است. او در ابعاد مختلف

فرهنگ اسلامی قلم زده و تأثیر گسترده‌ای در جامعه‌ی اهل سنت برجای نهاده است. چگونگی و چرایی این تأثیر، قابل توجه و تأمل است. او که داعیه‌ی سلفی‌گری داشته است، از تعصب و یکسویه‌نگری شگفتی برخوردار بود. ادعاهای گزاف او گویا در روزگار خودش نیز شهره بوده است. ابن بطوطه که داستان کتک خوردن او را به لحاظ پاره‌ای از اظهار نظرهایش در مسجد جامع دمشق دیده و نقل کرده است می‌گوید: «از فقهای نامدار حنبلیان در دمشق، بزرگ‌مردم شام تقی‌الدین ابن تیمیه بود که در فنون مختلف علم، سخن می‌راند لکن عقلش پاره‌سنگ برمی‌داشت»^{۱۶}.

درباره‌ی تعصبها و حق‌کشی‌ها و یکسویه‌نگری‌های او نیز، سخن نویسنده‌ی تیزبین مصری آقای سعید ایوب خواندنی است که پس از نقل داوروی‌های گونه‌گون او درباره‌ی تاریخ اسلام و رجال آن، نوشته است:

از آنچه آوردیم، می‌دانیم که ابن تیمیه بر عقل، لجام زده و ژرف‌نگری را به یکسو نهاده و جز به آنچه خود اندیشیده روی نیاورده و از حقیقت روی برتافته است^{۱۷}.

برهان‌الدین ابراهیم بن عمر جَعْبَری (م ۷۳۲) از عالمان و مؤلفان بزرگ این قرن، در آستانه‌ی قرآن آثار بسیاری سامان داده است. از آن جمله است، منظومه‌ای در «سور و آیات مکی و مدنی»، چاپ شده همراه «التیسر فی علوم التفسیر» دیرینی^{۱۸}. دو منظومه در شمارش آیه‌های سوره‌ها با عناوین «عقد الدرر فی عدّ آی السور»، «حدیقه الزهر فی عدّ آی السور» و «کنز المعانی فی شرح حرز الأمانی». این کتاب بهترین و گسترده‌ترین شرح «قصیده شاطبیه» است در قرائت با عنوان «حرز الأمانی». جَعْبَری در این شرح، جنبه‌های لغوی و قواعد زبان عربی، معانی و محتوی، و جوه قرائتها را به تفصیل گزارش کرده است. او در ضمن دو فصل از انساب قبایل عرب و گزیده‌ای از شرح حال استادان قرائت نیز سخن گفته است^{۱۹}. عناوین نگاشته‌های دیگر او در علوم قرآنی چنین است: «نزهة البرره فی القراءات العشره»، «خلاصة الأبحاث» در شرح منظومه‌ای که خود آن را ساخته است، «الشرع فی القراءات السبعة»، و نیز گزینش اسباب النزول واحدی با عنوان «مختصر اسباب النزول»، «عقود الجمان فی تجوید القرآن»، «الأهتداء فی الوقف والأبتداء».

برهان‌الدین در جَعْبَری از مادر بزاد و در دمشق و بغداد بالید و در دانش رشد کرد و در فنون مختلف به استواراندیشی دست یافت، سپس به «الخلیل» رفت و در آن دیار زندگی را بدرود گفت. او را به گستردگی دانش و شهرت تألیف، ستوده‌اند^{۲۰}.

اکنون باید یاد کنیم از فقیه، خطیب، ادیب و مفسر بزرگ این قرن، محمد بن ابراهیم بن سعدالله بن جماعة حموی شافعی، معروف به ابن جماعة^{۲۱} (م ۷۳۳). او افزون بر نگارش تفسیر، دو کتاب در علوم قرآنی سامان داد: «کشف المعانی فی المتشابه المثنائی» که دو بار به عنوان رساله کارشناسی ارشد در رباط و ریاض تحقیق شده ولی ظاهراً هنوز نشر نیافته است، دو دیگر کتاب «التبیین لمبهمات القرآن» که ظاهراً مفقود است و نسخه‌هایی از گزیده آن به خط مؤلف و با عنوان «غررالبیان فی مبهمات القرآن» وجود دارد. این کتاب نیز تحقیق شده است اما گویا نشر نیافته است^{۲۲}. شهرت ابن جماعة بیشتر و امدار کتاب ارجمند او «تذکره السامع والمتکلم فی أدب العالم والمتعلم» است که بن مایه‌های اثر والای زین الدین بن علی عاملی «شهید ثانی رضوان الله علیه»، «منیة المرید فی أدب المفید والمستفید» را شکل می‌دهد. ابن جماعة در شهر «حماه» زاده شد و فراگیری دانش را در زادگاهش آغاز کرد و برای تعمیق و تعمیم دانش به مصر، دمشق و بیت المقدس و دیگر جایها سفر کرد. ابن جماعة روزگاری بر مسند تدریس و افتاء نشست و شاگردان بسیاری را آموزش داد^{۲۳}.

در این قرن، هبة الله بن عبدالرحیم، بارزی، حموی شافعی (م ۷۳۸) یادکردنی است با آثاری در علوم قرآنی و تفسیر. او در وجوه زیباشناختی قرآن، «بدیع القرآن» و نگاشت و درباره قرائت، قصیده معروف شاطبی را شرح کرد با عنوان «الدرة البارزیه فی حلّ القصیده الشاطبیه». او در آغاز کتاب می‌گوید: این کتاب را در شرح قصیده شاطبی پرداختم و مثال‌ها و مطالبی بر آن افزودم، به آن سان که جستجوگران دانش قرائت را از مراجعه به آثار دیگر بی‌نیاز سازد^{۲۴}. افزون بر این «الشرع فی القراءات السبعة» را نیز در قرائت نگاشت^{۲۵}. در بحث ناسخ و منسوخ کتاب «ناسخ القرآن و منسوخه» را نوشت و در آغازش نگاشت: گزیده‌ای است درباره آیات منسوخه که مفسر بدون شناخت آنها نباید به تفسیر قرآن دست یازد^{۲۶}. بارزی افزون بر کتاب‌هایی که در علوم قرآنی یاد کردیم، تفسیری نگاشته است با عنوان «روضات الجنان فی تفسیر القرآن». صفدی می‌گوید او دو تفسیر دارد^{۲۷}، شاید چنین باشد، در منابع شرح حال نگاری از تفسیر دیگری نیز در ضمن نگاشته‌های او یاد کرده‌اند با عنوان «الباستان فی تفسیر القرآن»^{۲۸}.

بارزی در «حماه» از مادر بزاد و در همان دیار بالید و دانش آموخت، سپس به دمشق رفت و بر گسترش دانش و آگاهی‌هایش افزود.

او را به دانش، زهد و تقوی ستوده‌اند و شرح حال نگاران بر پیشوایی او در علم، در

روزگارش تصریح کرده‌اند و داوری استوارش را بر مسند «قضاوت» یاد کرده‌اند. بارزی در سالهای پایانی عمر، فروغ دیده را از دست داد و در زادگاهش زندگی را بدرود گفت.^{۲۹} در این قرن ابواسحاق ابراهیم بن محمد سفاقی (م ۷۴۲) در اعراب قرآن کتابی نگاشت با عنوان «المجید فی اعراب القرآن المجید». او در این کتاب به تفصیل از اعراب واژه‌ها و توجیهاات نحوی و ادبی آن سخن گفته است. نسخه‌هایی از «المجید» در کتابخانه وجود دارد.^{۳۰} حمد بن سلیمان بن عبدالله صرخندی، آن را گزین کرده است با عنوان «مختصر اعراب القرآن»^{۳۱}. بخش دوم کتاب «المجید» در دانشگاه دمشق تحقیق شده است، اما گویا به چاپ نرسیده است.^{۳۲}

ابواسحاق به سال ۶۹۷ از مادر بزاد و در دمشق به تحصیل و دانش‌اندوزی ادامه داد. او را به همت عالی در فراگیری دانش و چیرگی در نحو و ادب ستوده‌اند.^{۳۳} سالمرگ او را برخی در ۷۴۳ یاد کرده‌اند.

در این قرن باید یاد کنیم از متکلم و ادیب بلندآوازه زیدی، یحیی بن حمزة بن علوی (م ۷۴۵). او کتابی نگاشت با عنوان «الطراز المتضمن لأسرار البلاغه و علوم حقائق الأعجاز». وی در این کتاب به تفصیل از ابعاد دانش بلاغت سخن گفته و اعجاز بیانی قرآن را با تحقیقی ارجمند نمایانده است. به تفصیل در نقد «صرفه» بحث کرده و اعجاز قرآن را به مانند ناپذیری بیانی و بلاغی آن مستند کرده است.^{۳۴}

یحیی بن حمزه علوی از پیشوایان زیدی و از عالمان بزرگ یمن در این قرن است. کارنامه او بسی پربرگ و بار است. نگاشته‌های او را در کلام، ادبیات، اصول و فقه به استواری و سودمندی ستوده‌اند.^{۳۵}

اکنون باید یاد کنیم از محمد بن یوسف، مشهور به «أبوحیان نحوی» و «أبوحیان أندلسی» (م ۷۴۵). ابوحیان، افزون بر تفسیر ارجمند «البحر المحيط فی التفسیر» و گزینۀ آن به خامۀ خودش «الماد من البحر»، کتاب‌های بسیاری درباره قرائتهای مختلف نگاشته است که سوگمندانه هیچ کدام برجای نمانده و در گذرگاه زمان تباہ شده‌اند. عناوین آثار وی درباره قرائت چنین است: «المورد الغمر فی قرائة أبي عمر» در چگونگی قرائت أبو عمر و زبان بن علاء مصری (م ۱۵۴)؛ «المزن الهامر فی قرائة ابن عامر» در گزارش قرائت عبدالله بن عامر یحصبی شامی (م ۱۲۸)؛ «الأثیر فی قرائة ابن کثیر» در تبیین قرائت أبو محمد عبدالله بن کثیر کتانی (م ۲۱۰)؛ «النافع فی قرائة نافع» در چگونگی قرائت

أبو عبد الرحمن نافع بن أبي نعيم ليثي (م ۱۶۹)؛ «الرمزه في قراءة حمزة» در گزارش قرائت حمزة بن حبيب عجلي (م ۱۵۶)؛ «النير الجلي في قراءة زيد بن علي عليه السلام» (م ۱۲۱) در گزارش قرائت شهيد بزرگ تاريخ اسلام زيد بن علي عليه السلام؛ «الروض الباسم في قراءة عاصم» در توضيح چگونگی قرائت عاصم بن أبي النجود اسدي كوفي (م ۱۲۸)؛ «غاية المطلوب في قرائته يعقوب» در گزارش قرائت يعقوب بن اسحاق (م ۲۰۵)؛ «تقريب النافي في قراءة الكسائي» درباره قرائت علي بن حمزه كسائي (م ۱۷۹، ۹۱۸۹) و بالأخره «عقد اللآلي في قراءات السبع العوالي» که خود از آن با عنوان «عقد اللآلي في القراءات» یاد کرده^{۳۶} و برخی دیگر از آن با عنوان «اللآميه في القراءات» نیز یاد کرده اند^{۳۷}. آورده اند که از قصیده شاطبی کوتاهتر اما از آن مفیدتر و استوارتر است^{۳۸}. افزون بر آنچه یاد شد، ابوحيان کتابی پرداخته است در تبیین واژه های دشواریاب قرآن مجید با عنوان «تحفة الأريب بما في القرآن من الغريب». او در این کتاب واژه ها را براساس حروف آغازین مواد آنها ترتیب داده و معنای واژه را آورده است، بدون اینکه آیه قرآن را یاد کند. بدین سان کتاب ابوحيان اثری است مختصر، اما سودمند و کارآمد. این کتاب را دکتر احمد مطلوب و دکتر خدیجه حدیثی تحقیق کرده اند و توضیحات لازم را در پانویشت ها بدان افزوده اند و گاه معانی یاد شده در این کتاب را با منابع دیگر سنجیده اند^{۳۹}.

ابوحيان، ادیبی چیره دست، مفسری بزرگ و عالمی پرکار بوده است. درباره او و تفسیرش در مقامی دیگر به تفصیل سخن گفته ایم^{۴۰}.

ابو عبدالله محمد بن احمد، مشهور به ابن لبان (م ۷۳۹) در این قرن کتابی پرداخت در تبیین متشابهات قرآنی با عنوان «تبیین المتشابه من کتاب الله المکرم وحديث نبی المعظم». از عنوان کتاب روشن است که وی در این کتاب متشابهات قرآنی و نیز احادیث نبوی را به بحث نهاده است. از این کتاب با عناوین «ازالة الشبهات عن الآيات والأحاديث المتشابهات» و «متشابه القرآن والحديث» و... جزآن نیز یاد کرده اند^{۴۱}. سبکی می گوید: کتابی است کوتاه که در آن، درباره برخی از آیات و احادیث متشابه به شیوه صوفیان و با بیانی نیکو بحث کرده است^{۴۲}. کحاله در ضمن شمارش آثار وی از کتابی با عنوان «معانی الآيات المتشابه في معانی الآيات المحکمات» یاد کرده است که چنین می نماید که کتابی دیگر باشد^{۴۲}، ولی منابع شرح حال نگاری نزدیک روزگار ابن لبان در این باره جز کتاب یاد شده از کتابی دیگر یاد نکرده اند.

اکنون یاد کنیم که این کتاب را با عنوان «ردّ معانی الآيات المتشابهات الی معانی الآيات المحکمات» به ابن عربی نسبت داده‌اند و به نام وی نیز نشر یافته است^{۴۴} که قطعاً نسبت نادرستی است^{۴۵}.

ابن لبّان از فقیهان، محدثان، مفسران، نحویان و صوفیان دمشق است که در آن دیار بزاد و در مدارس آنجا و قاهره دانش آموخت و در علوم اسلامی مکانتی رفیع یافت. ابن لبّان، افزون بر کتابی که یاد شد آثاری دیگر نیز نگاشته است و تفسیری از قرآن کریم نیز پرداخته که پایان نیافته است^{۴۶}.

در این قرن شمس‌الدین محمدبن ابی بکر، مشهور به ابن قیّم جوزی (م ۷۵۱) کتاب ارجمند «التبیین فی اقسام القرآن» را نگاشت. سوگندهای قرآنی از جمله معارف بلند و ارجمند قرآنی است. سوگند یادکردن خداوند در قرآن، چیزهایی که بدانها سوگند یاد شده است و شیوه‌های سوگند یادکردن، همه و همه تنبّه‌آفرین و ارجمند است و اگر این همه، با فضای فرهنگی نزول سنجیده شود و چگونگی سوگندهای آن روزگار، نموده شود و بیان قرآن در آن بستر فرهنگی تحلیل شود، عظمت و الای قرآن به گونه‌ای دلپذیر فراز می‌آید^{۴۷}.

کتاب ابن قیّم، ظاهراً اولین کتابی است که این موضوع را به بحث گذاشته و ابعاد آن را نمایانده است. التبیین بارها با تحقیق‌های مختلف چاپ شده است، از جمله چاپ‌های شایسته آن، چاپی است نشر یافته از سوی مؤسسه الرساله و با تحقیق عصام فارس حرستانی، محمد ابراهیم زغلی.

به ابن قیّم، کتابی نسبت داده‌اند با عنوان «امثال القرآن» که مکرر با تحقیق‌های مختلف چاپ شده است^{۴۸}. اما گویا این کتاب نگاشته‌ای مستقل نیست، بلکه برگرفته‌ای است از کتاب دیگر وی «اعلام الموقعین»^{۴۹}.

شرح حال نگاران و کتابنامه نویسان کتاب دیگری در علوم قرآنی به ابن قیّم نسبت داده‌اند با عنوان «الفوائد المشوّق الی علوم القرآن و علم البیان»^{۵۰}. اما پژوهش‌های پژوهشگران در آثار ابن قیّم نشان داده است که این کتاب نیز از آن‌ها نیست. بر این نکته، دکتر بکر ابوزید ضمن بحثی مفصل تأکید کرده است^{۵۱} و آقای یسری سید محمد با گزارش خلاصه‌ای از رساله دکتری نشان داده است که این کتاب پیوندی با ابن قیّم ندارد و از آن شمس‌الدین محمدبن نقیب است که به عنوان مقدمه‌ای بر تفسیرش نگاشته است^{۵۲}.

ابن قیّم از شاگردان ابن تیمیه و از نویسندگان بلندآوازه اهل سنت است. ابن قیّم

گواینکه در آثارش متأثر از ابن تیمیه است، به ویژه در حکمت و چگونگی نگاه او به عرفان و تصوف، اما آثارش از آثار ابن تیمیه پخته تر است و از تعصب های خشک سرانه کم تری برخوردار است.^{۵۳}

در این قرن احمد بن یوسف عبدالدائم بن محمد حلبی، معروف به «سمین» (م ۷۵۶) از نحویان، مفسران، فقیهان، قاریان و ادیبان این روزگار، کتابی پرداخت در اعراب قرآن برابر و کارآمد، با عنوان «الدر المصون و علوم الكتاب المکنون». او در این کتاب پایه بحث را بر آثار استادش ابوحیان نحوی نهاد، اما در موارد بسیاری به نقد اندیشه استادش پرداخته و در این نقدها به استواری سخن گفته است.^{۵۴} الدر المصون را، چهار تن از محققان عرب براساس شش نسخه خطی مقابله، تصحیح و تحقیق کرده اند. در این تحقیق، آنان منابع احادیث، آثار، اشعار و اقوال را یاد کرده اند و در ضمن مقدمه ای سودمند درباره شرح حال و آثار مؤلف و محتوی الدر المصون و چگونگی تأثیرپذیری آن از پیشینیان سخن گفته اند.^{۵۵}

سمین افزون بر آنچه یاد شد، در علوم قرآن قصیده شاطبی را شرح کرد با عنوان «العقد النضید فی شرح القصید» که جزئی آن را در فن قرائت و در بیان شروح شاطبی بی نظیر دانسته است و تفسیری نکاشت بزرگ که ابن حجر می گوید بیست جلد است و من آن را به خط مؤلف دیده ام. و نیز کتابی با عنوان «القول الوجیز فی أحكام الكتاب العزیز».

سمین در قاهره بالید و دانش آموخت، او در دانش آندوزی سختکوش بود. از محضر عالمان آن دیار، اعراب، علوم قرآنی و حدیث فرا گرفت بدان سان که بر این دانشها چیره گشت. او را پیشوای بزرگ دانش ادب در روزگار خود دانسته اند.^{۵۶}

یکی از قرائت های مشهور قرآن که در درازای سده ها، گلبانگ قرآن براساس آن در اقالیم قبله فرزان می آمد، قرائت حفص بن سلیمان اسدی است. حفص از قاریان و عالمان آن روزگار است. شیخ از وی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام یاد کرده است.^{۵۷} این قرائت را عاصم بن ابی نجود کوفی که از چهره های برجسته شیعی کوفی است دریافته است و عاصم از ابو عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سلمی و او از امام المفسرین و قائد الموحدین علی بن ابیطالب علیه السلام و آن بزرگوار از رسول الله صلی الله علیه و آله و...

چنانکه گفتیم این قرائت همواره در میان جامعه اسلامی شهره بوده است و به پندارم هیچ روزگاری جز این، در گستره جامعه اسلامی مستند قاریان، مفسران و جست و جوگران

معارف قرآنی نبوده است. در این قرن احمد بن عمر بن احمد شافعی (م ۷۵۷)، در تبیین، توجیه و گزارش این قرائت کتابی پرداخت با عنوان «البيان الوفي بقراءة حفص عن عاصم الكوفي»^{۵۸}.

احمد بن عمر که به «نشانی» مشهور است از فقیهان و صوفیان این قرن است. او را به چیره دستی در فقه ستوده اند. کتاب های بسیاری نگاشته و نگاشته های فراوانی را به نیکویی گزین کرده است^{۵۹}.

و اکنون باید یاد کنیم از ادیب و محدث بلند آوازه این قرن، عبدالله بن یوسف بن احمد بن هشام انصاری (م ۷۶۱) که کتابی پرداخت در اعراب برخی از مواضع قرآن، با عنوان «مسائل فی اعراب القرآن» و نیز رساله ای کوتاه در چگونگی استعمال «منادی» در آیاتی از قرآن، کتاب اول را آقای دکتر صاحب ابوجناح تحقیق کرده است^{۶۰}. در پانوشت البرهان، (۴۰۷/۷) کتاب دیگری در اعراب قرآن به ابن هشام نسبت داده شده است با عنوان «المسائل السفریه فی النحو» و گفته شده است آن «اعراب مواضع من القرآن» نیز نامیده می شود که نه موضوع آن چنین است و نه بدین گونه نامیده می شود.

ابن هشام در قاهره دیده به جهان گشود و در همان دیار بالید و دانش آموخت. او در دانشهای علوم قرآنی، قرائت، تفسیر، فقه و به ویژه ادب عربی به آگاهی های گسترده ای دست یافت. چیرگی او بر ادب عربی در همان روزگار حیاتش شهره آبادیها گشت و ابن خلدون نوشت: ما هماره در مغرب می شنیدیم که در مصر مردی در ادب عربی برآمده است که بر ادبیات عرب از سیبویه مسلط تر است^{۶۱}. ابن هشام در آثار ادبی خود برای عرضه شواهد موضوع، توجه بلیغی به قرآن داشته است. او در کتاب مشهورش «مغنی اللیب» در بیش از دوهزار و هشتصد^{۶۲} مورد به قرآن استناد کرده و از قرآن برای مطلب گواه آورده است. به راستی می توان «مغنی» را تفسیر ادبی قرآن دانست. ابن هشام در دانش های مختلف فرهنگ اسلامی آثار ارجمندی برجای نهاده است^{۶۳}.

در این قرن ابوالفداء اسماعیل بن کثیر قرشی دمشقی (م ۷۷۴) کتابی نگاشت با عنوان «فضائل القرآن». او در این کتاب (که بارها چاپ شده است^{۶۴})، درباره فضایل آیات و سوره ها، چگونگی کتابت و جمع قرآن و لغات قرآن سخن گفته است. تفسیر وی که بر شیوه تفاسیر نقلی فراهم آمده است از مشهورترین و بهترین تفاسیر نقلی اهل سنت است^{۶۵}.

ابن کثیر از مفسران، مورخان و محدثان این قرن است که در دمشق بالید و دانش آموخت. او از کسان بسیاری حدیث شنید و کسان بسیاری از محضر وی حدیث دریافت

کردند. عالمی پرکار و سختکوش بود. در نگارش تاریخ، تفسیر و ثبت حدیث از یکسویه نگری و تعصب‌های خام به دور نبود. این بنده در مقاله یاد شده به اندکی از این مسایل پرداخته‌ام.^{۶۶}

کمال‌الدین عبدالرحمن بن محمد عتایقی حلی (م ۷۸۱) از عالمان و فقیهان بزرگ دیار عالم خیز حله، در این قرن کتابی پرداخت درباره «ناسخ و منسوخ» در قرآن کریم. او به ترتیب سوره‌ها، به شناسایی آیات منسوخ و چگونگی آنها پرداخته و در ابتدا، به اجمال از مکی و مدنی بودن سوره سخن گفته است. دانشمند جلیل‌القدر حضرت شیخ عبدالهادی فضلی این کتاب را تحقیق کرده و با افزودن مقدمه‌ای سودمند در شرح حال و آثار ابن عتایقی و بحثی درباره ناسخ و منسوخ و آثار نگاشته شده درباره این موضوع، آن را نشر داده است.^{۶۷} ابن عتایقی تفسیر مشهور منسوب به علی بن ابراهیم قمی را نیز گزین کرده و چیزها بدان افزوده و عملاً کتابی در تفسیر پرداخته است. او در آغاز این کتاب می‌گوید:

«بدانکه ما را در بسیاری از مطالب این کتاب «تفسیر علی بن ابراهیم» حرفه‌است، زیرا که آن مطالب با مذهب ما (شیعیان امامی) به هیچ روی سازگار نیست و چیزهایی در این کتاب یافت می‌شود که برخلاف اجماع علمای ما می‌باشد».^{۶۸}

وی را کتابی دیگر در تفسیر نیز هست با عنوان «الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز». ابن عتایقی، از عالمان، فقیهان و متکلمان حله است که به حکمت و عرفان نیز گرایش داشته است. از چگونگی تعلیم و تعلم و تحصیل و برآمدن وی در دانش و حکمت اطلاع دقیقی نداریم. صاحب روایات برخی از استادان وی را نام برده است. آثار او را در منابعی چند به تفصیل برشمرده‌اند.^{۶۹}

پیشتر آوردیم که مورخ و مفسر قرن ششم هجری عبدالرحمن بن عبدالله سهیلی کتابی پرداخت با عنوان «التعریف والأعلام بما أبهم فی القرآن من الأسماء والأعلام»، در تفسیر مبهمات قرآن^{۷۰}. به کتاب وی محمدبن علی غسانی اندلسی (م ۹۶۳۶) افزونی‌هایی روا داشت و کتابی کامل‌تر در این موضوع پرداخت با عنوان «التکمیل والأتمام لکتاب التعریف والأعلام». آن گاه در قرن هشتم، ابوعبدالله محمدبن علی بلنسی (م ۷۸۲) با درهم آمیختن آن دو کتاب و افزودن مطالب بسیاری بر آن، کتابی نگاشت با عنوان «صلة الجمع وعائد التذییل لموصول کتابی الأعلام والتکمیل». بلنسی در این کتاب با گستردگی تمام از

این موضوع بحث کرده و در سامان دادن به موضوعات، افزون بر منابع تفسیری از منابع حدیثی، تاریخی بسیاری سود جسته است. کتاب وی گسترده‌ترین و بهترین کتابی است که در این موضوع نوشته شده است.

کتاب را آقای حنیف حسن قاسمی تصحیح و تحقیق کرده است^{۷۱}. تحقیق وی تحقیقی است استوار، گسترده و سودمند. وی تمام منابع احادیث، اقوال و اشعار را نشان داده و توضیحات بسیاری برای تکمیل مباحث متن بدان افزوده است و در مقدمه‌ای درازدامن از وضع فرهنگی و اجتماعی روزگار مؤلف، شرح حال و آثار او و نیز موضوع کتاب و پیشینه آن و نگارشهای مختلف درباره آن و... جز آن، به تفصیل سخن رانده است و کتاب را با عنوان اختصاری «تفسیر المبهمات» نشر داده است^{۷۲}.

اکنون که به سالهای پایانی این قرن رسیده‌ایم باید یاد کنیم از «البرهان فی علوم القرآن» بدرالدین محمدبن عبدالله زرکشی (م ۷۹۴). «البرهان...» بی گمان تا بدان روزگار در جامعیت و گستردگی بحث‌های علوم قرآنی نظیر ندارد و پس از آن قرن نیز کم نظیر است. او با مراجعه گسترده به منابع پیشین (که از ۳۱۰ عنوان آن به تصریح یاد کرده است) و با آگاهی از آنچه در این زمینه نگاشته شده است، این کتاب را سامان داده است. زرکشی مجموعه علوم قرآنی را در چهل و هفت نوع بحث کرده است و در تمام این بحث‌ها از مراجعه به دیدگاه‌های پیشینیان و گزارش آراء قرآن پژوهان و مفسران تن نزده است. کتاب زرکشی بارها چاپ شده است، از جمله با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، در چهار جلد و نیز با تحقیق احمد عبدالقادر عطاء، در چهار جلد. کتابشناس و محقق سختکوش عرب، جناب آقای دکتر یوسف عبدالرحمن مرعشلی با دستیاری جمال حمّدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، البرهان را تحقیق کرده‌اند، تحقیقی عظیم، سودمند و کارآمد. آنان کتاب را با دو نسخه مقابله و تصحیح کرده‌اند و در پانوشت‌ها اختلاف نسخه‌ها، منابع احادیث، اقوال و اشعار را با دقت و تفصیل آورده‌اند. شرح حال رجال متن را نوشته‌اند و درباره برخی از مطالب کتاب توضیحاتی افزوده‌اند. در آغاز موضوعات چهل و هفتگانه کتاب، منابع پژوهش درباره آن موضوع را به تفصیل یاد کرده‌اند و پس از آن کتابشناسی گسترده کتابهای نگاشته شده در آن موضوعات را براساس قرن‌ها ارائه داده‌اند و بدین سان کتابی سامان داده‌اند در علوم قرآنی، بس سودمند و کارآمد. این بنده در تدوین و تنظیم این سلسله مقالات از پانوشت‌های این کتاب، فراوان بهره برده‌ام. مؤلفان

مقدمه‌ای نیز نگاشته‌اند درازدامن و در ضمن آن، به تفصیل از موضوع علوم قرآنی البرهان و پیوند آن با الأتقان و تأثیری که در کتاب‌های علوم قرآنی واپسین نهاده است، سخن گفته‌اند.

زرکشی، به سال ۷۴۵ در قاهره از مادر بزاد و در همان دیار آموختن را آغاز کرد، سپس به دمشق رفت و در تعمیق و تعمیم دانش خود کوشید و در تفسیر، حدیث، فقه، اصول و ادب عربی به آگاهی‌های گسترده‌ای دست یافت و در موضوعات یاد شده آثار بسیاری نگاشت. زرکشی تفسیری نیز نگاشته است که گویا ناتمام مانده است.^{۷۳}



۱. مباحث فی التفسیر الموضوعی، مصطفی مسلم، ص ۵۸.
۲. البرهان فی تناسب سور القرآن، الجامعة الزيتونية للشریعه و اصول الدین بتونس، ۱۴۰۸ق.
۳. ملاک التأویل، جلد ۲، دارالقرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۴. درباره او بنگرید به: مقدمه‌های کتاب‌های یاد شده، الوافی بالوفیات، ۶/۲۲۲؛ بغیة الوعاة، ۱/۲۹۱؛ معجم المؤلفین، ۱/۸۸؛ تذکرة الحفاظ، ۴/۲۶۵؛ البدرالطالع، ۱/۲۳ و....
۵. بنگرید به: البرهان فی علوم القرآن، ۱/۱۴۹؛ اعجاز القرآن، مصطفی صادق رافعی، ص ۲۱۶ و کتاب خواندنی «الفاصله» محمد الحسناوی، بیروت، المکتب الاسلامی.
۶. الأکسیر... قاهره، مکتبة الآداب، ۱۳۹۷م.
۷. تاریخ علماء بغداد، سلامی، ص ۵۹؛ اعیان الشیعه، ۷/۲۰۲.
۸. تدوین الحدیث عند الشیعه، چاپ شده در مقدمه معجم الفاظ احادیث بحار الأنوار، ۱/۲۸.
۹. درباره او بنگرید به: الدرر الكامنه، ۲/۱۵۴؛ بغیة الوعاة، ۱/۵۹۹؛ روضات الجنات، ۴/۸۹؛ الأنس الجلیل، ۲/۵۹۳؛ اعیان الشیعه، ۷/۳۰۱؛ معجم المؤلفین، ۱/۷۹۱؛ الأعلام، ۳/۱۲۸؛ معجم المفسرین، ۱/۲۱۶.
۱۰. مؤلفات الزیدیة، ۲/۲۷۶.
۱۱. البدرالطالع، ۲/۲۷۱؛ معجم المؤلفین، ۳/۷۲۵؛ الأعلام، ۷/۱۰۳.
۱۲. هدیة العارفين، ۲/۱۴۷.
۱۳. درباره او بنگرید به: البدرالطالع، ۲/۱۲۶؛ معجم المؤلفین، ۳/۱۱۸.

- ۱۴ . مقدمه فی اصول التفسیر، تحقیق عدنان زرور (مقدمه)، ص ۲۲ .
- ۱۵ . البرهان، ۱/۱۱۶ (پانوشت).
- ۱۶ . سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه)، ۱/۹۴ .
- ۱۷ . معالم الفتن، ۲/۴۵۲ . درباره او بنگرید به: ابن تیمیہ و جہودہ فی التفسیر، ابراہیم خلیل بَرَکَہ، ابن تیمیہ و موقفہ من أهم الفرق فی عصرہ، محمد حَرَبی، ابن تیمیہ حیاتہ... عقائدہ، موقفہ من الشیعہ و اهل البیت، صائب عبدالمجید و مقاله بلند «ابن تیمیہ» در دائرۃ المعارف بزرگ اسلامی، ۳/۱۷۱ و منابع بسیار آن .
- ۱۸ . معجم المطبوعات، ص ۹۰۱ .
- ۱۹ . فہرست موضوعی نسخہ های خطی عربی کتابخانہ های جمهوری اسلامی ایران، ۱/۲۹۹ .
- ۲۰ . درباره او بنگرید: الوافی بالوفیات، ۶/۷۲؛ طبقات الشافعیہ سبکی، ۹/۳۹۸؛ طبقات الشافعیہ أسنوی، ۱/۲۸۵؛ ریحانۃ الأدب، ۲/۱۵۹؛ الأُس الجلیل بتاریخ القدس والخلیل، ۲/۴۹۶؛ معجم المؤلفین، ۱/۴۹؛ غایۃ النہایہ، ۱/۲۱؛ شذرات الذهب، ۸/۱۷۱ .
- ۲۱ . ہدایۃ العارفین، ۲/۱۴۸، البرهان، ۱/۲۰۴ (پانوشت).
- ۲۲ . البرهان، ۱/۲۴۳ (پانوشت)، فہرست کتابخانہ آیت اللہ العظمیٰ مرعشی، ۱۲/۳۵۹ .
- ۲۳ . درباره او بنگرید به: طبقات الشافعیہ الكبرى، ۹/۱۳۹؛ طبقات الشافعیہ أسنوی، ۱/۳۸۶؛ ہدیۃ العارفین، ۲/۱۴۸؛ الوافی بالوفیات، ۲/۱۸؛ النجوم الزاہرہ، ۹/۳۹۸؛ معجم المؤلفین، ۲/۳۰؛ دائرۃ المعارف بزرگ اسلامی، ۳/۲۴۵ و....
- ۲۴ . فہرس مخطوطات دارالکتب الظاہریہ، ۱/۴۱۷ .
- ۲۵ . نکت الہمیان، ص ۳۰۳ .
- ۲۶ . فہرس مخطوطات دارالکتب الظاہریہ، ۲/۳۲۸ .
- ۲۷ . نکت الہمیان، ص ۳۰۳ .
- ۲۸ . معجم المؤلفین، ۴/۵۷ .
- ۲۹ . درباره او بنگرید به: نکت الہمیان، ص ۳۰۲؛ طبقات الشافعیہ الكبرى، ۱۰/۳۸۷؛ طبقات الشافعیہ أسنوی، ۱/۲۷۹؛ طبقات المفسرین، ۲/۳۵۱؛ البدر الطالع، ۲/۳۲۴؛ غایۃ النہایہ، ۲/۳۵۱؛ معجم المؤلفین، ۴/۵۷ .
- ۳۰ . فہرس المخطوطات دارالکتب الظاہریہ، ۲/۲۷۷ .
- ۳۱ . البرهان، ۱/۴۰۷ .
- ۳۲ . همان .
- ۳۳ . درباره او بنگرید به: الدرر الکامتہ، ۱/۵۵؛ بغیۃ الوعایہ، ۱/۴۲۵؛ الوافی بالوفیات، ۶/۱۳۸؛ معجم المؤلفین، ۱/۵۶ .
- ۳۴ . فکرۃ اعجاز القرآن، ص ۱۲۹ .
- ۳۵ . درباره او بنگرید به: البدر الطالع، ۲/۳۳۱؛ الأعلام، ۸/۱۴۴؛ طبقات اعلام الشیعہ (الحقائق الراہنہ)، ص ۲۲۸؛ معجم المؤلفین، ۴/۹۳؛ الأمام المجتہدین یحییٰ بن حمزہ و آراؤہ الکلامیہ، احمد محمود صبحی .
- ۳۶ . البحر المحیط، ۱/۵۹ .
- ۳۷ . غایۃ النہایہ، ۲/۲۸۲ .

۲۸. ابوحیان النحوی، صص ۲۴۲-۲۴۷.
۲۹. تحفة الأریب...، مطبعة العانی، بغداد، ۱۳۷۹ق.
۳۰. در مجموعه «تاریخ تفسیره» که از خداوند برای تکمیل و نشر آن توفیق می طلبم، درباره او بنگرید به: طبقات الشافعیه الكبرى، ۲۷۶/۹؛ البدر الطالع، ۲/۲۸۸؛ بغیة الوعاة، ۱/۲۸۰؛ غایة النهایه، ۲/۲۸۵؛ الوافی بالوفیات، ۵/۲۷۶؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۵/۴۱۶؛ معجم المؤلفین، ۳/۷۸۵ و کتاب ارجمند «ابوحیان النحوی» نکاشته خدیجه حدیثی.
۴۱. البرهان، ۲/۱۹۸.
۴۲. طبقات الشافعیة الكبرى، ۱/۹۴.
۴۳. معجم المؤلفین، ۳/۷۸.
۴۴. بیروت، نادى الكتب الثقافية، ۱۳۲۸.
۴۵. البرهان، ۲/۱۹۸؛ مؤلفات ابن عربی، ص ۳۱۹؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۴/۲۳۱.
۴۶. درباره او بنگرید به: طبقات الشافعیه الكبرى، ۹۴/۹؛ الدرر الكامنه، ۳/۳۳۰؛ طبقات المفسرین، ۲/۷۶؛ طبقات الشافعیة أسنوی، ۲/۳۷۰؛ معجم المؤلفین، ۳/۷۸.
۴۷. بنگرید به: الأعجاز البیانی فی القرآن، ص ۲۵۹.
۴۸. البرهان، ۲/۱۱۷ (پانوشت).
۴۹. اعلام الموقعین، ۱/۱۹۰-۱۵۰. چاپ دیگرى از «امثال القرآن» را آقای موسی علوان علیلی نشر داده اند با مقدمه ای سودمند در امثال القرآن و پانوشتهایی توضیحی و کارآمد درباره متن. مطبعة الزمان، بغداد، ۱۴۰۷ق.
۵۰. ابن القیم من آثاره العلمیه، ص ۱۸۱، منهج اهل السنة فی تفسیر القرآن الکریم (دراسة موضوعية لجهود ابن القیم التفسیری، ص ۴۲۱ به بعد و ص ۴۵۶؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۴/۵۰۳.
۵۱. ابن قیم الجوزیه حیات، آثاره و موارد، ص ۱۸۹ به بعد.
۵۲. محمد بن سلیمان بلخی مقدسی معروف به ابن نقیب، تفسیر بزرگی نکاشته است با عنوان «التحریر والتحجیر لأقوال أئمة التفسیر فی معانی السميع البصیر» و «الفوائد...» بخشی از مقدمه آن است. فوات الوفیات، ۳/۳۸۲؛ البرهان، ۱/۴۲۰ (پانوشت).
۵۳. درباره او بنگرید به: منابع یاد شده در شماره ۱ و معجم المؤلفین، ۳/۱۶۴ و منابع بسیاری که یاد کرده است.
۵۴. الدرر الكامنه، ۱/۳۳۹.
۵۵. الدرالمصون...، تحقیق و تعلیق، الشیخ علی محمد معروض و...، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴.
۵۶. درباره او بنگرید به: الدرر الكامنه، ۱/۳۳۹؛ طبقات الشافعیه أسنوی، ۲/۵۱۳؛ غایة النهایه، ۱/۱۵۲؛ بغیة الوعاة، ۱/۴۰۲؛ طبقات المفسرین، ۱/۱۰۱؛ معجم المؤلفین، ۱/۳۲۹.
۵۷. رجال الشیخ، ص ۱۸۹؛ قاموس الرجال، ۴/۵۸۲.
۵۸. عاصم از قاریان شیعی است و بر این نکته شیخ عبدالجلیل رازی تصریح و تأکید کرده است. ر.ک: نقض، ص ۳۱۲؛ تعلیقات آن، ۱/۵۷۹؛ اعیان الشیعه، ۷/۴۰۷. درباره قرائت حفص و جگونگی آن بنگرید به: التمهید، ۲/۲۳۲.

۵۹. درباره او بنگرید به: طبقات الشافعیة الكبرى، ۹/۱۸؛ الدرر الكامنه، ۱/۲۳۸؛ النجوم الزاهرة، ۱۰/۳۲۳.
۶۰. مجله المورد، مجلد ۳، شماره ۳/۱۴۳.
۶۱. مقدمه ابن خلدون، ۲/۱۲۴۲؛ ترجمه آن، ۲/۱۱۲۷.
۶۲. این عدد براساس جمع بندی شماره های آمده در فهرست آیات چاپ دکتر زمان است.
۶۳. درباره او بنگرید به: بغیة الوعاة، ۲/۶۸؛ معجم المؤلفین، ۲/۳۵؛ النجوم الزاهرة، ۱۰/۳۳۶؛ المورد، مجلد ۳، شماره ۳/۱۴۳، مجلد ۹، ش ۳/۱۱۵.
۶۴. البرهان، ۲/۵۸.
۶۵. بنگرید به مجله حوزه، شماره ۲۷/۷۵، به قلم نگارنده.
۶۶. نیز بنگرید به: الغدير، ۱/۴۰۵، ۲/۲۸۸ و نیز: تذکرة الحفاظ، ۴/۱۳۷؛ بغیة الوعاة، ص ۲۹۸؛ وفيات الأعیان، ۱/۳۵۱؛ معجم المؤلفین، ۲/۹۴.
۶۷. الناسخ والمنسوخ...، بیروت، مؤسسه اهل البيت (ع)، ۱۴۰۲.
۶۸. فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان، ۱/۱۱۷. مؤلف محقق این کتاب ضمن معرفی نسخه ای از آن، درباره این گزینش و نیز تفسیر علی بن ابراهیم بحث کرده است.
۶۹. درباره او بنگرید به: ریاض العلماء، ۳/۱۰۳؛ روضات الجنات، ۴/۱۹۳؛ فوائد الرضویه، ص ۲۲۷؛ ریحانة الأدب، ۶/۸۱؛ تاریخ الحلة، ۲/۸۵؛ اعیان الشیعة، ۷/۴۶۰.
- فهرست کتاب های خطی کتابخانه های اصفهان، ۱/۱۱۹. سالمرگ وی را در پانوشت البرهان، ۲/۱۵۶، ۷۹۰ ثبت شده است. مؤلف ریحانة الأدب نوشته است، تاریخ وفات وی به دست نیامد. صاحب ریاض العلماء نوشته اند، برخی حوادث را در حواشی «البداء الامین» گزارش کرده است که تاریخ وقوع آنها ۷۶۶ است و ممکن است پس از آن نیز زنده بوده است. کخاله نوشته است به سال ۸۷۱ زنده بوده است.
۷۰. چگونگی موضوع را بنگرید: البرهان، ۱/۲۴۲؛ الأتقان، ۴/۷۹؛ أبجد العلوم، ۲/۵۱۰؛ مفتاح السعادة، ۲/۱۰.
۷۱. تفسیر مبهمات القرآن...، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۷۲. درباره بلنسی بنگرید به: الدرر الكامنه، ۴/۲۰۷؛ بغیة الوعاة، ۱/۱۹۱؛ طبقات المفسرین، ۲/۲۱۳؛ معجم المفسرین، ۲/۵۷۲ و مقدمه کتاب مورد گفت و گو.
۷۳. درباره او بنگرید به: طبقات الشافعیة، ابن شهبه، ۴/۱۳۹؛ الدرر الكامنه، ۳/۳۷۹؛ طبقات المفسرین، ۲/۱۶۲؛ معجم المؤلفین، ۳/۱۷۴، مقدمه البرهان، چاپ مرعشلی و....

